

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد بدین بوم و بر زنده یک تن مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Ideological

مسائل ایدئولوژیک

فرستنده: الحاج داکتر امین الدین سعیدی
۰۶ جون ۲۰۱۴

نکاح رهنمود مشورتی برای عقد نکاح ۴

مراسم ایجاب و قبول:

توجه ! توجه ! توجه !

مراسم ایجاب و قبول یکی از مهمترین نقاطی است که در آن باید دقت لازم به عمل آید. نکاح به وسیله ایجاب و قبول به لفظی که از گذشته (ماضی) تعبیر می کند و یا به تعبیر يك لفظ از ماضی و لفظی دیگر از (حال) منعقد می شود. مثلاً این که یکی از دو همسر بگوید: «مرا بزن و شوهری بگیر، آن دیگری بگوید: ترا به حیث همسر خود پذیرفته بودم و پذیرفتم.»

عقد نکاح با الفظی از قبیل نکاح، ازدواج بخشش و تملك نیز به عمل می آید، یعنی اگر زن عوض قبول نکاح به طور مثال بگوید: خود را بتو بخشیدم نکاح صحیح می شود.

قاضی یا امام روی به طرف « وکیل مهر و نفس » دختر نموده می گوید:

« شما که بحیث وکیل سابق وکالت (سابق الوکاله) « در همین اثناء وکیل دختر می گوید بلی » هستيد : بی بی عقیقه المسمات (..... نام منکوحه - عروس.....) بنت (.....) که به این نام و نسب دیگر دختری ندارد، نفسمات مذکوره را به نکاح صحیح و شرعی به پرداخت (مبلغ کذا یا مقدار کذا که ذکر مشخصات آن حتمی است) که از جمله (.....) مهر معجل و (.....) مقدار مهر مؤجل به این جوان حاضر (بهتر است امام بدست اشاره به ناکح کند) محترم (..... نام داماد.....) فرزند (.....) غرض عقد نکاح زنی و شوهری به حیث داماد خویش قبول نموده اید؟ داده اید؟

وکیل مهر نفس دختر میگوید:

بلی من آنرا داده بودم و داده ام این جمله باید سه بار بالای وکیل دختر تکرار شود.

بلی من آنرا داده بودم و داده ام

بلی من آنرا داده بودم و داده ام

یادداشت:

اگر خود دختر می خواهد در مراسم ایجاب و قبول حاضر گردد و می خواهد مراسم ایجاب را شخصاً اداء کند باید بگوید: من نفس خویش را به نکاح صحیح و شرعی در بدل مهرکذا به محترم (....نام ناکح...) در مقابل مهر معجل (مقدار.....) و مهر مؤجل (مقدار...) داده بودم و دادم (البته سه بار) بعداً بدون وقفه امام و یاقاضی روی بطرف داماد نموده و می گوید:

اکنون شما جوان عاقل و بالغ که در این مجلس حاضر به عقد نکاح مسمی هستید: نفس بی بی (..... نام منکوحه - عروس.....) بنت (.....) را به نکاح صحیح و شرعی به زنی وزن و شوهری به نفس خود در بدل مهرکذا (.....) با ذکر مهر و مقدار مهر معجل و مؤجل قبول داری؟

جوان یا داماد بلا درنگ سه بار می گوید:

بلی من آن را خواستم، قبول کرده بودم و قبول دارم.

بلی من آن را خواستم، قبول کرده بودم و قبول دارم.

بلی من آن را خواستم، قبول کرده بودم و قبول دارم.

ولی اگر قرار باشد که وکیل داماد جواب بدهد امام باید بپرسد که:

نفس بی بی (..... نام عروس.....) بنت (.....) را به نکاح صحیح و شرعی به زنی وزن و شوهری به این جوان (نام جوان ذکر شود و بهتر است امام به دست هم اشاره کند (حتمی است) در بدل مهرکذا (با ذکر مهر و مقدار مهر معجل و مؤجل) قبول دارید؟

در جواب باید توسط وکیل داماد گفته شود: من نفس بی بی (..... نام منکوحه - عروس...) بنت (.....) را به نکاح صحیح و شرعی به زنی وزن و شوهری به محترم (..... نام داماد - ناکح...) توجه! توجه! توجه! (نام پسر یا داماد حتماً ذکر شود!)

بلی من آن را برای محترم..... نام داماد - ناکح..... خواستم، قبول کرده بودم و قبول دارم.

بلی من آن را برای محترم (..... نام داماد.....) خواستم، قبول کرده بودم و قبول دارم.

بلی من آن را برای محترم (..... نام داماد.....) خواستم، قبول کرده بودم و قبول دارم.

خطبه نکاح

قبل از همه باید گفت خواندن خطبه در نکاح امر مستحب است. در روایت آمده است که: پیامبر بزرگوار اسلام محمد صَلَّی اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ چنین خطبه خوانده است:

«إِنَّ الْحَمْدَ لِلَّهِ، نَحْمَدُهُ وَنَسْتَغْفِرُهُ وَنَسْتَعِينُهُ وَنَسْتَهْدِيهِ وَنَعُوذُ بِاللَّهِ مِنْ شُرُورِ أَنْفُسِنَا وَمِنْ سَيِّئَاتِ أَعْمَالِنَا، مَنْ يَهْدِ اللَّهُ فَلَا مُضِلَّ لَهُ وَمَنْ يَضِلَّ فَلَا هَادِيَ لَهُ. وَأَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ.»

سپس می تواند یکی و یا سه آیه زیر را بخواند:

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ حَقَّ تَقَاتِهِ وَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنْتُمْ مُسْلِمُونَ» (آل عمران)

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَقُولُوا قَوْلًا سَدِيدًا» (احزاب)

«يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَخَلَقَ مِنْهَا زَوْجَهَا وَبَثَّ مِنْهُمَا رِجَالًا كَثِيرًا وَنِسَاءً ۚ وَاتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي تَسَاءَلُونَ بِهِ وَالْأَرْحَامَ ۚ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلَيْكُمْ رَقِيبًا» (سوره نسا: ۱)

«وَإِنْ خِفْتُمْ أَنْ لَا تُقْسِطُوا فِي الْيَتَامَىٰ فَانكِسُوا مَا طَابَ لَكُمْ مِنَ النِّسَاءِ مِثْلَىٰ ثُلَاثٍ وَرُبَاعٍ فَإِنْ خِفْتُمْ أَنْ لَا تَعْدِلُوا فَوَاجِدَةً أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ ذَلِكَ أَدْنَىٰ أَنْ لَا تَعُولُوا»

هكذا قال سيدنا محمد صلى الله عليه وسلم:

النكاح من سنتي فمن رغب عن سنتي فليس مني.

وايضاً قال رسول الله صلى الله عليه وسلم: ا لناكح راغب والمنكوحه مرغوبه والمهر على ما تراضياوايضاً قال رسول الله صلى الله عليه وسلم: تناكحوا توالدو او تكثرخوا فاني أباهي بكم الامم يوم القيامة. صدق الله العظيم وصدق رسوله النبي الكريم ونحن على ذلك من الشاهدين والشاكرين والحمد لله رب العالمين برحمتك يا ارحم الراحمين.
دعا اختتام :

بارك الله لك وبارك الله عليك و جمع بينكما في خير.

الهم الف بينهما كما الفت بين آدم و حوا.

الهم الف بينهما كما الفت بين ابراهيم وساره.

الهم الف بينهما كما الفت بين موسى و صفوره.

الهم الف بينهما كما الفت بين سيدنا محمد صلى الله وسلم وعائشة كبرى.

پروردگارا !

نكاح هذا را كه بدون ممانعت وبه طريقه اسلامي ، به رضاء ورغبت جانبين ومطابق به سنت پیامبر صلى الله عليه وسلم وشرعيت غراى محمد صلى الله عليه وسلم صورت پذيرفت تو به در بار خویش مبروك ومقبول بگردانى .

پروردگارا!

به برکت خطبه مقدسه وآيات متبركه قرائت شده اين وصلت وزندگى نو را براى زوجين پر برکت وپر ثمر سازى

پروردگارا!

برای زوجین زندگى سعادتتد ، با ابرو وبا عزت نصيب نمائى .

پروردگارا!

اولاد صالح نصيب شان داشته وبرای هر دو خانواده توانمندى آن را عطا فرمائى تا بر دوستى هاى خویش بيفزايند .

پروردگارا!

دوستان وعزيزانى كه قدم رنجه فرموده ودر اين محفل خوشى ودر شب مقدس در نكاح مقدس شرعى سهم گرفتند تو بر شادى هاى شان بيفزا .

پروردگارا !

دوستانى كه نتوانستند در اين محفل اشتراك نمايند تو در خوشى هاى شان بيفزا .

پروردگارا !

تو به نورحبيبيت ، تو به نور پیامبرت محمد صلى الله عليه وسلم مارا از غم نجات ده وبه شادى هاى ما بيفزا .

امين يا رب العالمين

ربنا عليك توكلنا وإليك أنبنا وإليك المصير وآخير دعوانا أن الحمد لله رب العالمين برحمتك يا أرحم الراحمين.

تبریک گفتن ازدواج برای فامیل های عروس و داماد

تبریک گفتن ازدواج برای فامیل های عروس و داماد مستحب است.
 از ابو هریره (رض) روایت است که پیامبر صلی الله علیه وسلم وقتی تبریک می گفت می فرمود: «بارک الله لك وبارک الله عليك وجمع بینكما فی خیر» (خداوند خودتان وازدوجتان را پر برکت و اجتماعتان را پر خیر کند). (صحیح سنن ابن ماجه: ۱۵۴۶)، (سنن ابن ماجه: ۱/۶۱۴/۱۹۰۵)
 همچنان بی بی عائشه (رضی الله عنها) از حضرت محمد صلی الله علیه وسلم روایت فرموده است: «اعلنوا هذا النكاح واجعلوه فی المساجد واحتربو علیه الدف»
 (رواه احمد والترمذی)

قانون مدنی افغانستان و امور متعلق به ازدواج

مبحث ششم - ازدواج :

ماده ۶۰: ازدواج عقدیست که معاشرت زن و مرد را به مقصد تشکیل فامیل مشروع گردانیده حقوق و واجبات طرفین را به وجود می آورد.

ماده ۶۲: نامزدی با زنی جواز دارد که در قید نکاح و عدت غیر نباشد.

ماده ۶۳: خواستگاری زن در عدت طلاق رجعی یا بائن به عبارت صریح و کنایه و در عدت وفات به عبارت صریح جواز ندارد.

ماده ۶۴: نامزدی عبارت از وعده به ازدواج است. هر يك از طرفین می تواند از آن منصرف شود.

ماده ۶۵: هر گاه نامزد به نامزد خود هدیه داده باشد. هدیه دهنده می تواند در صورت انصراف جانب مقابل و موجودیت هدیه، عین یا قیمت روز خرید آن را مطالبه نماید و اگر انصراف از طرف هدیه دهنده صورت بگیرد یا هدیه هلاک و یا استهلاك گردیده باشد، رد آن را به هیچ صورت مطالبه کرده نمی تواند.

ماده ۶۶: عقد ازدواج با ایجاب و قبول صریح که فوریت و استمرار را افاده کند، بدون قید وقت در مجلس واحد صورت می گیرد.

ماده ۶۷: ازدواج در صورت تعلیق آن به شرط غیر محقق یا مضاف ساختن آن به زمان آینده عقد شده نمی تواند.

ماده ۶۸: هر گاه در عقد ازدواج شرطی گذاشته شود که مخالف قانون و اهداف ازدواج باشد عقد صحیح و شرط باطل پنداشته می شود.

ماده ۶۹: در عقد ازدواج بدل - زن، بدل زن دیگر قرار نگرفته و برای هر يك از زوجه ها مهر مثل لازم می گردد.

ماده ۷۰: اهلیت ازدواج وقتی کامل می گردد. که ذکور سن (۱۸) و اناث شانزده سالگی را تکمیل کرده باشد.

ماده ۷۱: (۱) هر گاه دختر سن مندرج ماده (۷۰) این قانون را تکمیل نکرده باشد، عقد ازدواج وی تنها توسط پدر صحیح التصرف یا محکمه با صلاحیت صورت گرفته می تواند.

(۲) عقد نکاح صغیر کمتر از (۱۵) سال به هیچ وجه جواز ندارد.

ماده ۷۲: (۱) گرفتن وکیل برای عقد ازدواج جواز دارد.

(۲) وکیل نمی تواند مؤکله خود را به عقد نکاح خود در آورد، مگر این که در عقد وکالت به آن تصریح شده باشد.

ماده ۷۳: وکیل نمی تواند در عقد ازدواج بدون تفویض صلاحیت یا اجازه مؤکل یا مؤکله خود، شخص دیگری را به صفت وکیل انتخاب نماید.

ماده ۷۴: وکیل نمی تواند عملی را که خارج از حدود وکالت او باشد، انجام دهد. تصرف خارج از حدود وکالت به مثابه عمل فضولی بوده و موقوف با اجازه مؤکل یا مؤکله او می باشد.

ماده ۷۵: وکیل به تسلیم زوجه به زوج و پرداخت مهر مکلف نمی باشد، مگر این که از پرداخت مهر ضمانت کرده باشد. در این صورت وکیل نمی تواند که مهر تأدیه شده را از زوج مطالبه نماید. جز در حالتی که ضمانت وکیل با اجازه زوج صورت گرفته باشد.

ماده ۷۶: در صورتی که طرفین عقد اصالتاً شرعاً یا توکیلاً تحت ولایت شخصی واحد قرار داشته باشند، شخص می تواند به تنهایی از جانب طرفین عقد ایجاب و قبول نماید، مشروط بر این که شرایط قانونی عقد رعایت شده باشد.

ماده ۷۷: برای صحت عقد نکاح و نفاذ آن شرایط آتی لازم است:

- ۱- انجام ایجاب و قبول صحیح توسط عاقدین یا اولیاء یا وکلای شان.
- ۲- حضور دونفر شاهد با اهلیت.
- ۳- عدم موجودیت حرمت دائمی و یا موقت بین ناکح و منکوحه.

ماده ۷۸: قاضی ولی اشخاصی است که ولی نداشته باشند.

ماده ۷۹: اشخاصی که طبق ماده (۷۸) این قانون تحت ولایت قاضی قرار می گیرند، قاضی نمی تواند آنها را به عقد ازدواج خود یا اصول و فروع خویش درآورد.

ماده ۸۰: هرگاه عاقله رشیده بدون موافقه ولی ازدواج نماید. عقد نکاح نافذ و لازم می باشد.

ماده ۸۱: ازدواج شخص با اصول و فروع خود و فروع پدر و مادر و طبقه اول فروع اجداد به طور ابدی حرام است.

ماده ۸۲: ازدواج شخص با زوجه اصول و زوجه فروع خودش به طور دائم حرام است همچنان ازدواج شخص با اصول زوجه اش مطلقاً و با فروع زوجه در صورت دخول به طور دائم حرام می باشد.

ماده ۸۳: ازدواج زنی با اصل و فرع مزنیه همچنان ازدواج مزنیه با اصول و فروع زانی حرام می باشد.

ازدواج اصول و فروع مزنیه با اصول و فروع زانی از این امر مستثنی است.

ماده ۸۴: حرمت رضاعی به استثنای حالات ذیل مانند حرمت نسبی است

- ۱- خواهر پسر رضاعی.
- ۲- مادر خواهر یا برادر رضاعی.
- ۳- مادر کلان پسر یا دختر رضاعی.
- ۴- خواهر برادر رضاعی.

ماده ۸۵: در حالات ذیل حرمت موقت موجود می گردد.

- ۱- جمع در نکاح بین دوزنی که هر گاه یکی آنها مرد فرض شود، حرمت ازدواج بین شان به وجود آید
- ۲- مطلقه ثلاثه تازمانی که با شخص دیگری ازدواج نماید.
- ۳- منکوحه و معتدله غیر.
- ۴- زنی که لعان شده باشد تا وقتی که، شوهر خود را تکذیب نماید.

۵- زنی که اهل کتاب نباشد.

ماده ۸۶: ازدواج به بیش از يك زن بعد از تحقق حالات آتی صورت گرفته می تواند .

۱- در حالتی که خوف عدم عدالت بین زوجات موجود نباشد.

۲- در حالتی که شخص کفایت مالی برای تأمین نفقه زوجات از قبیل غذا ، لباس ، مسکن و تداوی مناسب را دارا باشد.

۳- در حالتی که مصلحت مشروع ، مانند عقیم بودن زوجه اولی و یا مصاب بودن وی به امراض صعب العلاج ، موجود باشد.

ماده ۸۷: زنی که شوهر وی خلاف حکم ماده (۸۶) این قانون ازدواج نموده باشد ، می تواند مطابق به احکام مندرج ماده (۱۸۳) این قانون ، براساس تفریق به سبب ضرر از محکمه مطالبه طلاق نماید.

ماده ۸۸: زن می تواند هنگام عقد ازدواج شرط گذارد که اگر ازدواج وی مخالف احکام مندرج مانند (۸۶) این قانون به زن دیگر ازدواج کند ، صلاحیت طلاق به او انتقال داده می شود. این شرط وقتی اعتبار دارد که در وثیقه نکاح درج شده باشد .

ماده ۸۹: شخصی که در ازدواج به بیش از يك زن مطابق حکم مندرج ماده (۸۶) این قانون متأهل بودن خود را کتمان نماید و رضایت و موافقه صریح زنی را که جدیداً به نکاح گرفته است در مورد به دست نیورده باشد. درینصورت زوجه جدید می تواند در صورت عدم رضایت به دوام معاشرت به زوج مطابق به احکام مندرج ماده (۱۸۳) بر اساس تفریق به سبب ضرر از محکمه مطالبه طلاق نماید.

مبحث هفتم آثار ازدواج

فرع اول احکام عمومی:

ماده ۹۰: در نکاح صحیح و نافذ تمام آثار آن از قبیل، نفقه زوجه، حقوق میراث، ثبوت نسب و حرمت مصاهره مرتب می گردد.

ماده ۹۱: در مورد لزوم کل مهر ، خلوت صحیحه ، حکم دخول را در نکاح صحیح دارد ، گرچه زوج عنین باشد . همچنان در مورد اثبات نسب ، نفقه ، حرمت نکاح خواهر زوجه ، حکم خلوت صحیحه ، عیناً حکم دخول در نکاح صحیح را دار می باشد .

ماده ۹۲: ازدواج زن مسلمان با مرد غیر مسلمان باطل است مرد مسلمان می تواند با زن اهل کتاب ازدواج نماید.

(۲) ازدواج اهل کتاب توسط ولی کتابی وی به حضور دونفر شاهد اهل کتاب صورت گرفته می تواند ، در مورد مندرج این ماده اولاد تابع دین پدر شناخته می شود.

ماده ۹۳: نکاح زن اهل کتاب بالای زن مسلمان و عکس آن جواز دارد.

ماده ۹۴: هر گاه در نکاح غیر صحیح بین زوج و زوجه قبل از دخول و مقدمات آن تفریق صورت بگیرد ، موجب حرمت مصاهره نمی گردد.

ماده ۹۵: هیچ يك از آثار ازدواج صحیح بر ازدواج باطل گرچه دخول در آن صورت گرفته باشد، مرتب نمی گردد.

ماده ۹۶: ازدواج که با ایجاب و قبول صورت گرفته و بعضی شرایط آن تکمیل نگردیده باشد ، فاسد و احکام ازدواج بر آن مرتب نمی گردد .

ماده ۹۷: (۱) ازدواج فاسد قبل از دخول در حکم نکاح باطل است. هرگاه بعد از ازدواج فاسد دخول صورت بگیرد، مهر نسب، حرمت، مصاهره، عدت، تفريق و نفقه ثابت می گردد.

فرع دوم - مهر

ماده ۹۸: کل مهر با و طی، خلوت صحیحه یا وفات یکی از زوجین گرچه قبل از دخول یا خلوت صحیحه صورت گرفته باشد، لازم می گردد.

ماده ۹۹: زوجه مستحق مهر مسمی می باشد، اگر مهر حین عقد تعیین نشده و یا نفی آن به عمل آمده باشد، مهر مثل لازم می گردد.

ماده ۱۰۰: مال قابل تملك مهر تعیین شده می تواند.

ماده ۱۰۱: (۱) کل یا قسمتی از مهر، حین عقد طور معجل یا مؤجل تعیین شده می تواند.

(۲) در صورت عدم تصریح، به عرف رجوع می گردد. پرداخت مهر مؤجل در صورت تفريق یا وفات تابع مدت کوتاه تر می باشد، مگر این که حین عقد مدت معینی تصریح شده باشد.

ماده ۱۰۲: (۱) زوج می تواند مقدار مهر را بعد از عقد تزئید نماید.

(۲) در حالت فوق زیادت در مهر تابع شرایط ذیل است.

۱- مقدار زیادت مهر معلوم باشد.

۲- زوجه یا ولی او این زیادت را قبول نماید.

۳- رابطه زوجیت باقی باشد.

ماده ۱۰۳: (۱) زوجه بالغه که سن ازدواج قانونی را تکمیل نموده باشد، می تواند در حالت صحت و رضای خود مهری را که نقداً تعیین شده باشد، کلاً و یا قسمی از ذمه زوج ساقط نماید.

(۲) پدر زوجه ای که سن مندرج ماده (۷۰) این قانون را تکمیل نکرده باشد، به هیچ صورت نمی تواند مهر را از ذمه زوج ساقط نماید.

ماده ۱۰۴: زنی که اختیار تعیین مهر را به زوج تفویض نموده و مهر او تسمیه نشده باشد، می تواند بعد از عقد و قبل از دخول، تعیین مهر مطالبه نماید.

زوج مکلف است مهر او را معین کند در صورت امتناع، زوجه می تواند تعیین مهر مثل را از محکمه با صلاحیت مطالبه بدارد.

ماده ۱۰۵: هرگاه تفريق قبل از دخول یا خلوت صحیحه واقع گردد، در صورت تسمیه، زوجه نصف مهر مسمی و در غیر آن نصف مهر مثل را مستحق می شود.

ماده ۱۰۶: هرگاه تفريق قبل از دخول یا خلوت صحیحه از طرف زوجه صورت گیرد، مهر وی کاملاً ساقط می گردد.

ماده ۱۰۷: هرگاه تفريق بین زوجین قبل از دخول یا خلوت صحیحه واقع گردد. برای زوجه، متعه ای که عبارت از البسه معمول و امثال وی می باشد، واجب می گردد. در تعیین متعه، توان مالی زوج در نظر گرفته شده و به هیچ صورت قیمت آن از نصف مهر مثل تجاوز نمی کند.

ماده ۱۰۸: (۱) هرگاه طلاق قبل از دخول واقع گردیده و مهر مسمی باشد و یا زوج وفات نماید، متعه برای زوجه واجب نمی گردد.

(۲) در صورتی که طلاق بعد از دخول واقع گردد، خواه مهر مسمی باشد یا نه، ادای متعه برای زوجه جواز دارد.

ماده ۱۰۹ : هر گاه شخصی در حین مرض موت خود ازدواج نموده و مهر زوجه اش را بیشتر از مهر مثل تعیین کرده باشد ، این زیادت تابع احکام وصیت می گردد.

ماده ۱۱۰ : مهر ، ملکیت زوجه محسوب می گردد . زوجه می تواند در مهر خود هر نوع تصرف مالکانه بنماید.

ماده ۱۱۱ : هر گاه زوجه کل مهر یا قسمتی از آن را قبل یا بعد از قبض به زوج هبه نموده و قبل از دخول ، طلاق واقع گردد، زوج نمی تواند نصف مهر را مطالبه نماید.

ماده ۱۱۲ : هر گاه مهر پول نقد یا شیء مثلی نبوده و زوجه نصف یا کل آن را به زوج هبه نماید ، در صورت وقوع طلاق قبل از دخول ، زوج نمی تواند هیچ چیزی را به عنوان مهر مطالبه نماید .

ماده ۱۱۳ : پدر نمی تواند مهر دختر خود را کلاً یا قسماً هبه نماید.

ماده ۱۱۴ : زوجه مجبور گردانیده نمی شود تا کل یا قسمتی از مهر خود را به زوج یا شخص دیگری واگذار شود. در صورتی که زوجه قبل از قبض کل مهر وفات نماید ، ورثه وی می تواند از زوج و در صورت وفات زوج از ورثه او پس از وضع حق الارث زوجه مهر باقیمانده را مطالبه نماید.

فرع سوم: مسکن

ماده ۱۱۵ : زوج مطابق به توان مالی خود برای زوجه اش مسکن مناسب تهیه می نماید.

ماده ۱۱۶ : هر گاه شخصی بیش از يك زوجه داشته باشد ، نمی تواند بدون رضایت آنها را در مسکن واحد مجبور به رهایش گرداند.

فرع چهارم : نفقه

ماده ۱۱۷ : (۱) با عقد نکاح صحیح و نافذ بر زوج لازم می گردد ، گرچه زوجه در مسکن اقاربش رهایش داشته باشد ، اگر چه زوجه از رفتن به مسکن زوج بدون حق امتناع ورزد ، نفقه وی بر زوج لازم نمی گردد.

(۲) زوجه وقتی حق دارد از رفتن به مسکن زوج امتناع ورزد ، که مسکن مناسب مطابق به ماده (۱۱۵ و ۱۱۶) این قانون از طرف زوج تهیه نشده و یا مهر معجل وی تأدیه نگردیده باشد.

ماده ۱۱۸ : نفقه زوجه مشتمل است بر طعام ، لباس ، مسکن و تدای متناسب به توان مالی زوج.

ماده ۱۱۹ : هر گاه زوج از ادای نفقه امتناع ورزد یا تقصیر وی در آن ثابت گردد، محکمه با صلاحیت زوج را به ادای نفقه مکلف می گرداند.

ماده ۱۲۰ : نفقه زوجه به اثر حبس زوج گرچه توان ادای آن را نداشته باشد ، از ذمه وی ساقط نمی گردد.

ماده ۱۲۱ : هر گاه زوج غایب باشد ، نفقه زوجه از اموال زوج که شامل نفقه شده بتواند به دسترس وی قرار داشته باشد ، تأمین می گردد . در غیر آن از اموالی که نزد دیگری طور ودیعت یا دین دارد، نفقه زوجه تعیین می گردد .

ماده ۱۲۲ : در حالات ذیل زوجه مستحق نفقه نمی گردد.

۱- زوجه بدون اجازه زوج یا به غیر مقاصد جایز از مسکن خارج گردد.

۲- زوجه به امور زوجیت اطاعت نداشته باشد.

۳- مانع انتقال زوجه به مسکن زوج موجود باشد.

ماده ۱۲۳ : نفقه زوجه مطابق به توان مالی زوج تأمین می گردد . مشروط بر این که نفقه از حداقل کفاف زوجه کمتر نباشد.

ماده ۱۲۲: زیادت و تنقیص نفقه تابع تحول و توان مالی زوج و تغییر قیمت اشیاء در محل می باشد. ادعای زیادت و یا تنقیص نفقه متعینه قبل از سپری شدن شش ماه از تاریخ تعیین آن پذیرفته نمی شود.

ماده ۱۲۵: هرگاه زوج از ادای نفقه واجبه امتناع ورزد، از تاریخ امتناع به ادای نفقه زوجه مکلف می گردد.

ماده ۱۲۶: مطلقه از تاریخ طلاق تا ختم عدت مستحق نفقه می گردد.

ماده ۱۲۷: ادعای مطلقه در مورد نفقه ایام عدت اگر بیشتر از يك سال از تاریخ طلاق باشد، قابل سمع نیست.

ماده ۱۲۸: نفقه واجبه جز به اداء یا ابراء از آن ساقط نمی گردد.

ماده ۱۲۹: ابراء از قبل از این که تعیین شده باشد باطل است، خواه تعیین نفقه رضائی باشد یا قضائی. اما ابراء از نفقه بعد از تعیین وقتی صحیح می گردد که ابراء - از نفقه ایام گذشته باشد. ابراء از نفقه روز، هفته، ماه، و سال آینده وقتی صحیح می گردد، که نفقه بالترتیب طور روز مره هفته وار، ماهوار و سالانه تعیین شده باشد.

ماده ۱۳۰: دین نفقه زوجه بر ذمه زوج یا این که بر ذمه زوجه باشد به اساس مطالبه هر يك از زوجین مجراء شده می تواند.

خواستگاری

خواستگاری که قبل از ازدواج صورت می پذیرد عبارت از آن است زمانی که مرد می خواهد با زن مورد نظرش ازدواج کند به نزد اقارب و خویشاوندان و نزدیکان زن رفته و خواهش خویش را مبنی بر ازدواج بیان می دارد، و با ایشان به بحث و مذاکره در مورد موافقت با خواسته اش و شرایط آن می پردازد، بهتر این است که قبل از عقد طرفین همدیگر را ببینند تا دل های شان به سوی هم جلب شود و محبت و علاقه در بین آنان به وجود آید، تا هنگامی که کار از کار می گذرد پیشمان نشوند.

از مغیره بن شعبه روایت شده که زنی را خواستگاری کرد و پیامبر صلی الله علیه وسلم به او گفت: «إذهب فأنظر إليها، فإنّه أجد أن یودم بینکما» (برو به او نگاه کن و او را ببین چون این امر بهتر باعث سازش و دوام محبت در بین شما می گردد.)

(صحیح سنن الترمذی: ۸۶۸)، (سنن نسائی: ۶/۶۹)

لازم است که ولی و سرپرست، (از قبیل پدر، جد و برادر و....) موافقت زن خواستگار شده را که به سن بلوغ رسیده برای ازدواج با مرد خواستگار به دست آورد در این مورد پیامبر صلی الله علیه وسلم می فرماید: «الطيب أحق بنفسها من ولیها والبرک تستامر وإنّنها سکوتها» (بیوه زن مصلحت خود را بهتر از ولی و سرپرستش می داند، و دوشیزه هم باید برای ازدواج از او اجازه گرفته شود. و همین که دوشیزه سکوت نمود) و اعتراض نکرد سکوتش به معنی اجازه است) هر يك از طرفین مرد و زن بعد از خواستگاری و اعلان موافقت، می توانند پیشمان شوند و اگر یکی از آنها پیشمان شد هدایائی که به یکدیگر داده اند و باقیماندنی است، مانند طلا جات و زینت آلات باید مسترد گردد، اما چیز هائی که قابل دوام نیست، مانند شیرینی و غذا و عطر های صرف شده چیزی بابت آنها پرداخت نمی گردد.

چنانچه گفته آمدیم در فاصله بین خواستگاری و عقد ازدواج جایز نیست مرد وزن با هم تنها باشند و دريك مكان خلوت كنند ، چون تا زمانی كه عقد ازدواج انجام نگیرد ، این دو با هم بیگانه هستند . چون خواستگاری وعده به ازدواج است ، خود ازدواج نیست.

كفائت

يکي از شرایط ازدواج این است كه باید مرد كفاء و همسان با زنی باشد كه می خواهد با او ازدواج نماید. كفائت در لغت به معنی مساوات و همسانی است ، كفائت باید در نسب و مال باشد و شرف علم بالاتر از نسب است . كفائت در مال این است ، كه مرد قدرت تأمین مهر و نفقه زن را داشته باشد ، ثروتمندی شرط كفائت نیست بلکه تنها قدرت تأمین نفقه و مهریه شرط معتبر می باشد. وقتی زن بدون اجازه ولی شرط كفائت را نادیده بگیرد ، ولی حق دارد كه تقاضای فسخ نكاح او را بنماید.

سرور و شادمانی در مراسم نكاح

مراسم عقد نكاح باید با سرور و با خواندن های مباح و زدن دف در بین مردم اعلان گردد. در حدیث متبركه از حضرت بی بی عائشه (رضی الله عنها) از حضرت محمد صلی الله علیه وسلم روایت فرموده است آمده : « اعلنوا هذا النكاح واجعلوه فی المساجد واحتربو علیه الدف » (رواه احمد والترمذی). همچنان در حدیث متبركه دیگری پیامبر صلی الله علیه وسلم فرموده است : « اعلنوا النكاح » (ازدواج را اعلان كنید) (صحیح سنن ابن ماجه : ۱۵۳۷) ، (صحیح ابن حبان : ۱۲۸۵ / ۳۱۳)

و در حدیث دیگری از خالد بن ذكوان روایت است : ربیع بنت معوذ بن عفراء گفت :

« جاء النبی صلی الله علیه وسلم یدخل حین بنی علی ، فجلس علی فراش كمجسك منی ، فجعلت جویریات لنا یضربن بالدف ویبدین من قتل من آبائی یوم بدر ، إذ قالت إحداهن :وفینا نبی یعلم ما فی غد. فقال: دعی هذه وقولی بالذی كنت تقولین » (وقتی كه به خانه داماد برده شدم پیامبر صلی الله علیه وسلم نزد من آمد ، و روی فرشی نشست همچون نشستن تو از من. دختر نیمه جوان ما دف (دایره) می زدند و خوبیهای پدرانشان را كه در روز بدر كشته شده بودند یاد آور می شدند ، در این حال یكی از آنها گفت : در میان ما پیامبری است كه از آینده خبر دارد ، پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمود كه این سخن را ترك كن و آنچه را كه قبلاً می گفتمی بگو. » (حدیث صحیح : اداب الزفاف : ۱۰۸) ، (صحیح امام بخاری : فتح الباری (۵۱۴۷ / ۲۰۲ / ۹) (سنن ابو داوود) عون المعبود (۴۹۰۱ / ۲۶۴ / ۱۳) ، (سنن الترمذی : ۱۰۹۴ / ۲۷۶ / ۲).

همچنان در حدیث دیگری می فرماید: « فصل ما بین الحلال والحرام الدف والصوت فی النكاح » (تفاوت میان حلال و حرام در ازدواج دف و آواز است) (صحیح سنن ابن ماجه : ۱۵۳۸) ، (سنن نسائی : ۱۲۷ / ۶) ، (سنن ابن ماجه : ۱۸۹۶ / ۶۱۱ / ۱) ، (۱۰۹۴ / ۲۷۵ / ۲).

سیرت نویسان می نویسند كه :

در یك عروسی حضرت عایشه رضی الله عنها- فارعة دختر اسعد رضی الله عنها- را در مراسم عروسی اش به منزل شوهر وی نبیط بن جابر انصاری برد. رسول خدا صلی الله علیه وسلم به او فرمود: (یا عائشة، ما كان معكم لهو؟! فإن الأنصار یعجبهم اللهو) یعنی: «ای عایشه! آیا همراه شما سرگرمی (دف و غیره) نبود؟ زیرا انصار، سرگرمی را دوست دارند.» (بخاری)

در روایتی آمده است که آن حضرت صلی الله علیه و سلم فرمود: (فهل بعثتم معها جارية تضرب بالدف، وتغني؟) یعنی: «آیا کنیزی را با او روانه ساختید تا دف بزند و آواز بخواند؟» حضرت عایشه رضی الله عنها گفت: او چه باید می خواند یا رسول الله؟

فرمود: باید چنین می خواند:

(أتيناكم أتيناكم فحيونا نحئكم
ولولا الذهب الأحمر ما حلّت بوادیکم
ولولا الحنطة السمراء ما سمنت عذاریکم)

معنی شعر:

«ما آمدیم، ما آمدیم، سلام و درودمان گوئید تا سلام و درودتان گوئیم
اگر طلای سرخ نبود آراسته نمی گشت بیابان هایتان
و اگر گندم های طلایی نبود دوشیزگانتان فربه نمی گشتند.»

یادداشت :

خواننده محترم !

در شرع اسلام استفاده از دف در مراسم عروسی جایز می باشد. ولی با تأسف باید گفت که برخی از فامیل ها در محافل عروسی ، اقدام به چنان اعمالی می کنند و به برپاکردن عروسی مختلط مرد وزن در سالون های عروسی می پردازند ، و با ، آوردن نوازندگان و رقاصه ها، نوشیدن مشروبات الکلی، می پردازند که ، از لحاظ شرع اسلام جایز و پذیرفتنی نبوده و حتی در زیادت از موارد حرام هم می باشد و حتی در احادیث نبوی به اجتناب از آن ها امر شده است .

ادامه دارد